

گوشه‌ای از تاریخچه نیروی دریایی ایران

سرزمین ایران که بحکم موقعیت جغرافیائی خود از شمال به دریای بسته خزر و از جنوب از طریق خلیج فارس و دریای مکران بدریاهای آزاد راه دارد بی گمان در طول تاریخ نمیتوانسته است بدون مسائل و تلاشها و کوششهای دریائی بوده باشد و چون همین مسائل و کوششها و تلاشهاست که تاریخچه نیروی دریائی يك کشور را تشکیل میدهد ناگزیر از مباحثی که در تاریخ کامل ایران باید بدان توجه شود و جائی برای آن باید شناخت تاریخچه نیروی دریائی ایران است و بهمین سبب من مقاله خود را به ذکر و شرح مدارك و مطالبی اختصاص میدهم تا خود جزئی از مواد و مصالحی

بقلم

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
ترتیب معهود ستم

باشد که برای تدوین تاریخ کامل نیروی دریائی ایران لازم خواهد بود.

از سال ۱۱۶۰ که نادرشاه کشته شد و نقشه نیروی دریائی او عقیم ماند تا سال ۱۲۲۴ قمری (۱۸۱۲ میلادی) دیگر صحبتی از نیروی دریائی ایران در میان نمی‌بینیم. در این سال دیپلماسی ناپلئون در ایران در برابر سیاست انگلیسها مواجهه باشکست شد و هیئات سفارت او که بریاست سرلشکر گاردان Gardanne وعده‌ای از افسران فرانسوی برای تشکیل ارتش ایران به سبک نظام اروپائی بایران آمده بودند ایران را ترك گفتند و فردای روزی که هیئات فرانسوی از تهران بیرون رفتند سفیر دولت انگلستان سرهارفرد جونز Sir Harford Jones به این شهر وارد شد^۱ (روز ۲۸ ذی‌حجه ۱۲۲۳ قمری).

سرهارفرد جونز چون به تهران رسید با دولت ایران در مورد قراردادی که بتواند حافظ منافع دولت متبوع او در ایران و در جوار هندوستان باشد وارد مذاکره و عمل شد و سرانجام قراردادی موقتی شامل هشت فصل بتاریخ ۲۵ دی محرم ۱۲۲۴ یعنی ۲۷ روز پس از ورود خود به تهران بین او و دولت ایران بسته شد^۲

و بر اساس این قرارداد سه سال بعد (۲۹ صفر ۱۲۲۷ قمری) عهدنامه‌ای قطعی بین دو دولت منعقد گردید که فصل هفتم آن مربوط به نیروی دریائی ایران میشد و آن چنین بود:

« فصل هفتم - در صورتیکه در سواحل دریای قلم^۳ چوب و اسباب مهیا شود و شاهنشاه ایران خواهش فرماید که در حوزه‌های بحر مزبور کشتیهای جنگی سازند، پادشاه ذیجاء انگلستان اجازت به معلم و عملجات کشتی سازو غیره از دارالسلطنه لندن و هم از بندر بمبئی عطا فرمایند که بخدمت شاهنشاه ایران

۱- برای آگاهی بیشتر در این باره رجوع کنید به کتاب مأموریت ژنرال گاردان ترجمه مرحوم عباس اقبال و به تحولات سیاسی نظام ایران تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی (از ص ۱۵ تا ص ۳۱)

۲- برای آگاهی از متن این قرارداد به ص ۷۱-۱۷۳ ج تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم تألیف محمود مراجعه نمایید.

۳- منظور خلیج فارس و دریای مکران است

حاضر و بخدمت مرجوعه مأمور شوند و مواجب و اخراجات آن باسرکار پادشاه جمجاه دولت علیه ایران باشد بموافق قراریکه با ایلچی دولت بهیه انگلیس داده خواهد شد.^۱

وجود این فصل در معاهده مزبور به این سبب بود که دولت انگلستان در این موقع میخواست در مقابل روسها که « ماده نهم وصیتنامه پطر کبیر را بنوک سرنیزه های خود آویخته » و رو به خلیج فارس پیش می آمدند ایرانی قوی بوجود آوردند تا بتواند مانع پیشرفتهای آنها گردد.

اما مفاد این فصل نه تنها بمورد عمل در نیامد بلکه در عهدنامه دیگری که دو سال بعد (۱۲۲۹ق) باز به همان اساس بین ایران و انگلیس انعقاد یافت^۲ از این ماده دیگر ذکری بمیان نیامد.^۳

از این پس رفته رفته زمام اختیار خلیج فارس و دریای مکران بدست انگلیسها افتاد زیرا در خلال این احوال دولت انگلستان با انعقاد قراردادهائی باشیوخ خلیج و بستن معاهداتی درباره منع برده فروشی و نیز بوسیله اجرای نقشه برداری از خلیج و « تعیین اعماق و احداث مناره های راهنما و برقراری ارتباط تلگرافی،^۴ حق نظارت کامل بر خلیج و کلیه کشتی هائی را که در خلیج رفت و آمد می کردند توانست بدست آورد.

ولی عکس العمل این اوضاع در سواحل ایران بیشتر محسوس بود تا در پایتخت چنانکه مدارک و اسناد چندی که در دست است از ناراحتی های روحی کار گزاران و حکمرانان دولت که در این مناطق ماموریت داشته اند حکایت می کند و این اشخاص عموماً پس از شرح و تفصیل اوضاع خلیج فارس و سواحل آن، پیشنهاد می کنند برای جلوگیری از بسط نفوذ و تسلط بیگانگان باید فوراً به تشکیل نیروی دریائی مبادرت شود و این است چند نمونه از آن گزارشها.

۱ - ص ۳۹ و ص ۱۹۷ تحولات سیاسی نظام ایران
 ۲ - درباره این عهدنامه به ص ۱۴۴ - ۱۴۷ ج ۱ کتاب محمود محمود و ص ۴۵ - ۴۶ در تحولات سیاسی نظام ایران نگاه کنید.

۳ - ر. ک به ص ۱۹۹ تحولات سیاسی ایران

۴ - خلیج فارس تألیف سر آونولد ویلسون ترجمه محمد سعیدی ص ۳

فریدون میرزا حکمران فارس در اواخر ۱۲۵۲ قمری به حکمرانی فارس انتخاب گردید^۱ پس از رسیدن به فارس و آشناسدن به اوضاع و احوال آنجا در نامه‌ای مبسوط بخط خود به حاجی میرزا آقاسی نوشته است چنین مینویسد:^۲

«جناب حاجی سلمه الله تعالی در باب جزیره خارک و اختلال انگلیس و تفصیل حالات اگر از جزیره خارک بگذرند یکوقتی میشود از بند بوشهر ویا از سایر بنادر حضرات انگلیس بیرون می‌آیند و همینکه در خشکی راه پیدا کردند مأمّن میسازند، اهل فارس را به دادن تیول و نگر فتن مالیات تطمیع میکنند.....»

«اگر بخواهند امر بنادر درست مضبوط بشود، کل دولتها کشتی جنگی دارند حتی امام مسقط و محمد علی پاشا شمایک بغله و ماشویه در عمان ندارند اسمش بحر العجم است ولیکن بهیچوجه بشما مدخلیت ندارد یارسال دو سه کشتی خوب میفروختند بشما نوشتم جوابهای غریب نوشتید منم سکوت کردم امسال هم یک کشتی بسیار خوب که ۲۴ توپ داشت بهفت هزار تومان میفروختند باز بشما نوشتم جواب نیآمد این قسمتها بحرف امر دریا و بندر مضبوط نمی‌شود باید ایستادگی در کار کرد و پول خرج نمود و بخادم مرحمت و بخائن سیاست فرمود تا امر مضبوط شود والا حرف زدن و پیش نرفتن حاصلی ندارد.»

سند دوم

سند دوم گزارشی است که کار گزار مهم امور خارجه ایران در خلیج فارس بتاريخ محرم ۱۲۷۸ قمری به دولت مرکزی ایران نوشته است. در این گزارش که مربوط به تجاوز شیخ بحرینی به قطیف و دخالت قونسل انگلیس و اعزام چند کشتی انگلیسی به بحرین برآی گوشمالی شیخ بحرین میباشد^۳ درباره نیروی دریائی چنین می‌خوانیم:

۱- منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۶۷

۲- اصل این نامه در مجموعه ۶۰۴۴ اسناد دولتی در وزارت خارجه ایران موجود است و برای متن کامل این نامه به کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس تألیف سرهنگ دکتر

قائم مقامی رجوع کنید (ضمیمه ۵ ص ۱۶۲-۱۶۴) و ص ۹۶-۹۷

۳- شرح این وقایع را در کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس درس ۴۵ تا ص ۴۸ بخوانید.

«مکرر از مسقط و بوشهر عرض نموده است که تصرف در بحرین بی چهار ممکن نیست ... و هر گاه دولت علیه چند فرزند چهار بادی و آتشی در بوشهر داشته باشد دولت انگلیس بهیچوجه از این قبیل تصرفات نمیتواند در خلیج فارس و بنادر آن نماید. حالاسم خلیج فارسی است و رسم بادولت انگلیس...»^۱

سند دیگر

سند دیگر نامه ایست که در همین سال (ربیع الثانی ۱۲۷۸ میرزا حسین خان (سپهسالار) وزیر مختار ایران در استانبول در باره مقاصد و اقدامات انگلیسها در بحرین و خلیج فارس نوشته و در آن مینویسد:

«چنانکه مکر شفاهاً عرض نموده ام اخذ حق باحفظ حقوق یا ایجاد حق بجهت خود، بسته بقوه سرنیزه و استعداد بریه و بحریه است»^۲

بدین ترتیب مداخلات غیرقانونی انگلیسها در امور خلیج فارس و جزایر آن رفته رفته شدت یافته بود و گزارشهایی که از کار گزاران و مأموران دولتی بدولت مرکزی ایران میرسید و در همه آنها لزوم تشکیل و داشتن یک نیروی دریائی را در خلیج فارس توصیه میکردند بالاخره دولت ایران را ب فکر انداخت برای حفظ آرامش و امنیت خلیج فارس و کوتاه ساختن دت و بهانه انگلیسها نیروئی دریائی در خلیج فارس تشکیل دهد و باین نظریه حاجی محسن خان سفیر ایران در لندن و همچنین به میرزا حسین خان وزیر مختار در استانبول دستور داد در مورد خرید کشتی و قیمت آن تحقیق نمایند.

میرزا حسین خان وزیر مختار در نامه مفصلی بتاريخ محرم ۱۲۸۲ بدولت متبوع خود نوشت: «تدبیری که اولیای دولت در خریدن کشتی داشته قوه بحریه در خلیج فارس می خواهند تهیه بفرمایند باعتبار فدوی کافی نیست زیرا که با این وضع مالیه، از عهده قیمت آن نمیتوانیم بر آئیم و ثانیاً که سرکار اقدس همایون از بابت کثرت میل و اهتمامی که در حفظ و تحصیل اسباب ترقی دولت

۱- متن کامل این گزارش در س ۱۵۵-۱۵۶ کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس از اسناد وزارت امور خارجه ایران بچاپ رسیده است.

۲- دست پنهان سیاست انگلیس س ۵۰

و ملت دارند چند کرور بجهت ابتیاع چند واپور جنگی التفات فرمودند از مخارج مستمره و مخارج فوق العاده قوه بحریه اطلاع کامل ندارند باین مالیات هائی که حالا در ایران متداول است از عهده مخارج و نگاهداری آنها نمیتوانیم برآئیم و بلاخره هر قدر تنخواه از برای ابتیاع آنها داده شود و در تدارکات و لوازمات دول فرنگستان مراقبت بعمل آید قوه بحریه باین زودیها آنقدر نمی تواند بشود که از قوه بحریه انگلیس و عثمانی مدافعه و مقاومت نماید. خدای نکرده اگر محاربه و اختلاف فیما بین ما و آن دودولت واقع شود اول ضرری که بما وارد بیاید ضبط و تصرف قوه بحریه ما خواهد بود...^۱

این پیش بینی اگر چه بظاهر صحیح و منطقی بود ولی میتوان تصور کرد که سیاستهای بیگانه در ارائه آن خواه از راه القاء و خواه از طریق مرعوب ساختن دخالت داشته اند بخصوص که مقارن همین احوال می بینیم راولنسن H. Rawlinson سفیر انگلیس در ایران باتشکیل نیروی دریائی ایران مخالفت کرده بود^۲ و بهر حال طرح دولت ایران مبنی بر خرید کشتی بمرحله عمل در نیامد...

در سال ۱۲۸۴ قمری شیخ بحرین گرفتار شورش مردم القطر شد و برای سرکوبی آنها طبق قراردادی که با انگلیسها بسته بود بآنها رجوع کرد ولی تا کمک از انگلیسها برسد خود غائله مزبور را خوابانید و همین موضوع را کلنل پلی Col. Lewis Pelly مأمور انگلیسی که قونسول بوشهر بود بهانه کرد و با چند کشتی به بحرین حمله برد و آنجا را بتوپ بست و در نتیجه از دولت ایران کمک خواست - حسام السلطنه حکمران فارس عده ای از سپاهیان فارس و

۱- کتاب دست پنهان سیاست انگلیس تألیف خان ملک ساسانی ص ۴۸

۲- سفید نمیزی بحرین، حقوق هزار و هفتصد ساله ایران ص ۳۳

تعدادی تفنگچی از تفنگچیان شیخ لنکه را بکمک آنها فرستاد ولی کلنل پللی دامنه تجاوزات و خودسریها را بیشتر گسترش داد و بندر لنکه را به اسم اینکه چرا به بحرین کمک فرستاده اید بتوب بست و کشتی های آنها را ضبط کرد حسام السلطنه که از عدم قدرت خود خشمناک و در عین حال مأیوس و ناراحت بود نامه مبسوط و محکمی به ناصرالدین شاه نوشت که قسمتی از آن باموضوع مورد بحث ما بستگی دارد و آن چنین است^۱:

«... بالجمله نداشتن کشتی و اسباب و استعداد بحریه دولتی در خلیج فارس اثرش این است که بر عیت و اهالی بندر دولت قاهره شاهنشاهی روحی و روح العالمین فداه این قسم تحکیمات مینمایند...^۲

دنباله این وقایع بسال ۱۲۹۵ قمری کشید و در این سال میرزا علی خان امین الممالک برای تدارک سفر دروم ناصرالدین بارو پارفته بود هنگامی که در لندن بود مأموریت یافت بفرانسه رفته «در بندر تولون و دویل فرانس برای دولت ایران کشتی جنگی سفارش بدهد»^۳

اما کشتی ویا کشتی های مورد نظر بوسیله امین الدوله خرید نشده بلکه در سال ۱۳۰۱ این کار بوسیله علی قلیخان مخبرالدوله صورت گرفت^۴ و دو کشتی شوش و پرسپولیس در سال ۱۳۰۳ به بندر بوشهر رسید^۵

۱- ر.ک به بحرین و مسائل خلیج فارس ص ۶۱-۶۲

۲- همان کتاب ص ۶۳

۳- خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله صفحه ۶۱

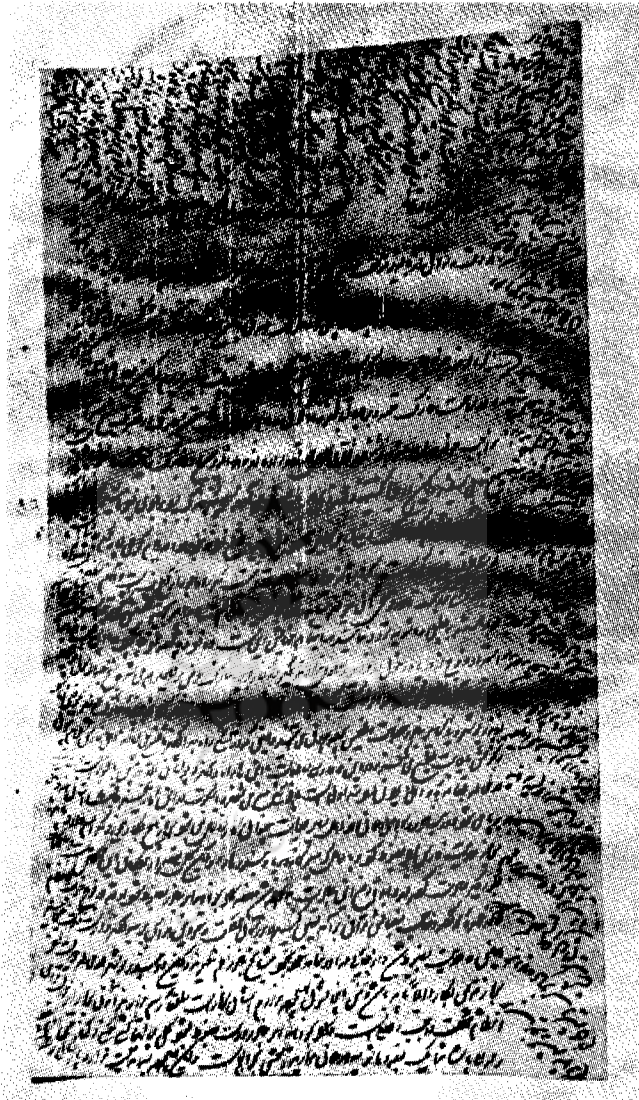
۴- ر.ک به منتخب التواریخ مظفری ص ۴۲۱

۵- بحرین تألیف سعید نفیسی ص ۴۱

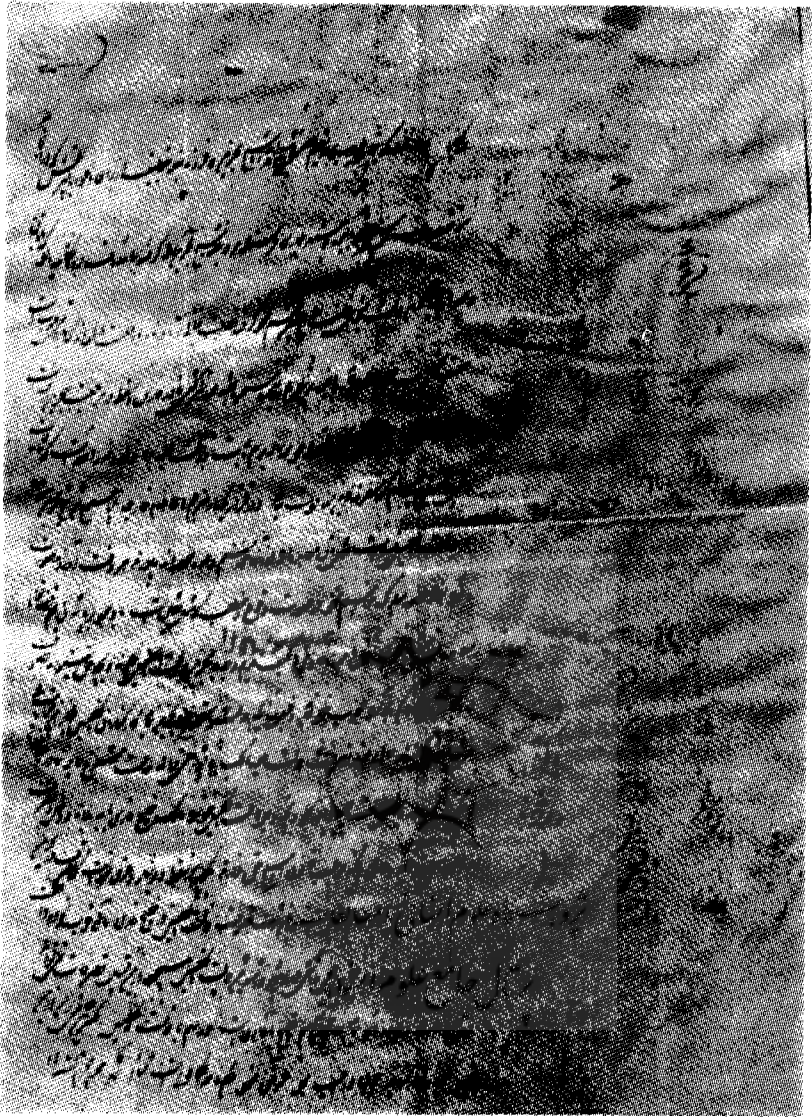
این دو کشتی بمبلغ سی هزار لیره انگلیسی خریداری گردید. کشتی پرسپولیس یک کشتی تجاری فلکه دار بود بگنجایش ۶۰۰ تن و بقدرت ۴۵۰ اسب بخار دارای چهار توپ کروب و چند توپ کوچک و کشتی شوش ۲۵۰ تن ظرفیت داشت و مدتهای مدید افسران آنها آلمانی بودند ولی سرانجام ایرانیان و اعراب جای آلمانیها را اشغال کردند مدتی هم یک ناخدای بلژیکی فرماندهی آنها را بعهده داشت.^۱



۱- همان کتاب همان صفحه.



۱ - نامه فریدون میرزا حکمران فارس به حاجی میرزا آقاسی



۲- عکس نامه کارگزار مهام خارجه بدولت ایران